

عنوان مقاله :

گرگ در لباس میش

بررسی و نقد آموزه های تحری حقیقت
و وحدت عالم انسانی
در فرقه بهائیت

نویسنده :

مجتبی غلامی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

چکیده بحث :

تعالیم دوازده گانه بهائیت مرکز ثقل این فرقه می باشد. اینها شعارهای پر زرق و برقی هستند که عقاید پوشالی شان را پشت آن مخفی کرده اند، واز آنجا به سایر افکار حمله میکنند مثل تحری حقیقت که دعوت میکند به اندیشیدن و به حقیقت رسیدن، یا وحدت عالم انسانی که به اتحاد، همدلی و همیاری انسانها دعوت میکند.

ما در این مقال دو تعلیم را از آنها که مهمتر میباشد به بوته نقد و بررسی

میداریم که :

اولا: معنای آنها چیست؟

ثانیا: ادعاهایی که در مورد آن کرده اند درست است یا نه؟

ثالثا: آیا خودشان پایبند به این تعلیم بوده اند ؟

و در آخر منظور آنها از طرح این تعالیم چه بوده است؟

مقدمه

انسان به حکم سرشت با معنویات رابطه ناگسستنی دارد و این کشش روحی را که یک ضرورت اجتناب ناپذیر خلقت است با همه وجود و هستیش درک میکند . و خوب میداند بیشتر مشکلاتی که در مراحل مختلف زندگی او مطرح می شوند جز از راه توسل به معنویات وتوجه به اموریکه در سطح والاتری از مسایل مادی قرار دارند قابل حل نیستند .

متأسفانه توجه به معنویات و تشخیص راه درست به سادگی وآسانی مقدور نیست، زیرا انسان در قدم اول خود با اختلافات وحشتناک آرا و عقاید مواجه میشود و هر چه جلوتر میرود اختلاف را عمیق تر و دامنه دار تر مبیند. او خیلی زود خواهد یافت که شناخت حق از باطل بدون یک تجزیه و تحلیل علمی و بررسی کامل امکان پذیر نیست. واین بررسی هم باید در کمال انصاف باشد.

ما در این نوشتار گوشه ای از تعالیم آیین بهائیت را مورد بررسی قرار داده ایم، چراکه مهمترین قسمت این آیین میباشد.

تحری حقیقت

از آن جایی که پی جوئی حقیقت نیاز درونی انسان است؛ صاحبان مکاتب بشری نیز همیشه کوشیده‌اند که توجه به این خواست را در سرلوحه‌ی تعالیم خود قرار دهند و در پی‌ریزی اصول مکتبشان به این اصل احترام بگذارند تا جایی که پاره‌ای از مسلکها که تحمیلی بر اجتماع آزاد بشری بشمار می‌روند و در عمل گریزان از حقیقت و نابود کننده‌ی واقعیت‌های انسانی هستند، به ظاهر منادی حق‌طلبی و حق‌گوئی شده و خواسته‌اند که با یدک کشی چنین شعار دلپذیری، تباهی درونی خود را بپوشانند.

اینک نشان خواهیم داد که بهائیت نیز مسلکی است که می‌خواهد با نقاب زیبای «تحری حقیقت» واژه‌ای که فقط به عنوان یک تیترو شعار، همه جا هست و در حقیقت هیچ جا نیست، رخسار خود را مخفی نماید و ناخوش بودن درون را با خوش بودن برون از دیدگاه انسانها دور نگه دارد.

بهایان که به خیال خود ادعای سرسپردگی به دینی کاملتر؟! از دین اسلام را دارند مروج دستوراتی شده‌اند که به نام تعالیم دینی معرفی کرده‌اند و بخاطر ضرورتی که اشاره شد، شاه‌گفتار خود را «تحری حقیقت» اعلام می‌دارند:

«اولتعلیمحضرتبهاءاللهتحریحقیقتاستبایدانسانتحریحقیقتکنندوازتعالیددستبک

شد.» (۱)

در کتب متعلق به بهائیان عبارت تحری حقیقت به این شکل معنا شده است: تحری: کلمه‌ای است عربی که در لغت به معنای تفحص و جستجو و حقیقت

۱. عبدالبهاء خطابات. جلد دوم. صفحه‌ی ۱۴۴

یابی و در طلب امر بهتر بودن و درنگ و تأمل نمودن آمده است.

حقیقت: جمع آن حقایق است، اصل و راستی و درستی ذکر شده است چه که ذات و اصل هر شیئی را مکشوف می‌سازد (۱).

و به نقل از عباس افندی آمده است: «حقیقت وحدت عالم انسانی است حقیقت محبت بین بشر است حقیقت اعلان عدالت است حقیقت هدایت اله است انبیاء الهی حقیقت بودند... حقیقت ترک تعصبات است اول چیزی که برای انسان لازم است تحری حقیقت است...» (۲)

بهائیان مدعیند که تقلید موجب خسران است و هر فردی باید با ادراکات و احساسات خود در هر امری از امور، تحری و تحقیق نماید و جویای حقیقت باشد، با گوش خود بشنود و با چشم خود ببیند و با احساسات خود درک نماید که در اثر آن بر وحدت و یگانگی خواهد رسید. (۳)

حسینعلی نوری (مؤسس بهائیت) در نامه‌ای مشهور به الواح به یکی از یاران خود می‌گوید: «ای احمد دیده را پاک و مقدس نما تا تجلیات انوار لانهایت از جمیع جهات ملاحظه نمایی و گوش را از آرایش تقلید منزه کن تا نغمات عندلیب وحدت و توحید را از افنان باقی انسان بشنوی... از تقیه و تقلید به روضه قدس تجرید و فردوس عز توحید بخرامان» (۴).

به طور کلی شرایط تحری حقیقت از دید رهبران این فرقه عبارتند از:

-
۱. مجموعه جزوات اصول اعتقادات اصول اعتقادات امری. نشر کتب امری.
 ۲. اشراق خاوری. عبدالحمید. پیام ملکوت.
 ۳. اشرف. فرامرز. مجموعه‌ای از مطالب دیانت بهائی به اختصار. موسسه ملی مطبوعات امری ۱۳۱ بدیع
 ۴. نوری. حسینعلی. مجموعه الواح (لوح احمد) انتشارات امری.

- (۱) اولین شرط تحری حقیقت آن است که شخص مایل به تحری باشد. (۱)
- (۲) حب و بغض نداشته باشد یعنی مطالب را در کمال بی‌طرفی بررسی و تحقیق کند. (۲).
- (۳) حقایق را به چشم خود ببیند. (۳).
- (۴) تقلید گذشته را فراموش کند (آنچه شنیده‌اند بگذارند نه به هیچ ملتی متمسک باشند و نه از هیچ ملتی متنفر). (۴).
- (۵) در قضاوت و داوری انصاف داشته باشد (طالب باید متصف به چند صفت باشد اولاً باید که منصف باشد). (۵).

حال جان مطلب و اساس تحری حقیقت را از لابلاي پاره‌اي از کتب جامعه‌ي بهائیت تماشا می‌نمائیم. آقای میرزا حسین علی از قول میرزا علی محمد شیرازی نخستین پیشوای بابت و بهائی می‌نویسد:

«هیچ لذتی اعظم‌تر؟! (۶) در امکان خلق نشده که کسی استماع نماید آیات را، و بفهمد مراد آن را، و لم و بم در حق کلمات آن نگوید و مقایسه با غیر او نکند.» (۷)

-
۱. نوری. حسینعلی. ایقان: چاپ مصر.
 ۲. اشراق خاوری. عبدالحمید. پیام حکمت صص ۱۲ - ۱۴.
 ۳. افندی. عباس مفاوضات. انتشارات امری. صص ۳۰.
 ۴. افندی. عباس. خطابات اروپا. چاپ مصر ۱۳۹.
 ۵. افندی. عباس. مفاوضات اروپا ص ۳۰
 ۶. توجه کنید به ترکیب کلمه‌ي اعظم‌تر: اعظم: بزرگتر، اعظم‌تر: بزرگ‌تر!!.
 ۷. بهاء الله. بدیع. صفحه‌ي ۱۴۵.

همین جناب «بینائی و روشندلی» را اینگونه بیان می‌کند: «و این معلوم است نزد هر ذی بصری که اگر عباد در ظهور هر یک از مظاهر شمس حقیقت چشم و گوش و قلب را از آنچه دیده و شنیده و ادراک نموده پاک و مقدس می‌نمودند البته از جمال الهی محروم نمی‌مانند.»^(۱)

و می‌بینیم که دستگاه بهائیت انسانهایی را تحویل می‌دهد که هر چه چشم بسته‌تر باشند «جمال الهی» را بهتر نگریسته و از فیض وجود چنین خدائی؟؟ بیشتر بهره می‌برند.

در این میان، آن صاحب‌دلی خزینه‌ی اسرار علوم ربانی می‌گردد که سینه را از جمع آنچه شنیده پاک نموده و قلب را از همه‌ی تعلقات، مقدس فرماید!!
دقت کنید:

«پس باید صدر را از جمیع آنچه شنیده و قلب را از همه‌ی تعلقات مقدس فرمود تا محل ادراک الهامات غیبی شود و خزینه‌ی اسرار ربانی گردد.»^(۲)
و روشن است آنجا که بهائیت از ذات هستی آفرین خدا، تصویری جز میرزای نوری (۱۲۳۲-۱۳۰۹) نداشته باشد باید شناخت مظاهر شمس حقیقت را چنین ترسیم کند و برای رسیدن به واقعیتها راهی اینسان تاریک و خردناپذیر را به خواستارانش بنمایاند.

چرا که، یاری جستن از آنچه شنیده‌ایم و دیده‌ایم و ادراک کرده‌ایم، ما را که متحری حقیقتیم و دوستدار آزاداندیشی، از «پاکبازی» و «تقدس» دور می‌نماید. دیگر قلب روشن‌گرمان «محل ادراک الهامات غیبی» نمی‌شود و گامهایمان که به فرمان راستی و درستی رهرو دیار روشنائی است مورد

.....
۱. بهاء الله. ایقان. صفحه‌ی ۱۱ و ۱۲ (ایقان ۱۹۹ صفحه‌ای)

۲. بهاء الله ایقان. صفحه‌ی ۵۴ (ایقان ۱۹۹ صفحه‌ای).

عنایت «جمال الهی» واقع نمی‌گردد!! محقق غیر بهائی «معاند» میشود و متحریان بهائی «مطرود» و این مفهوم تحری حقیقت، در قاموس کنونی بهائیت است که یک غیر بهائی باید بکند تا بهائی شود و بهائی نباید بکند تا بهائی بماند!!

با اینکه رهبران بهائیت در شعار مدعی تحری حقیقت هستند اما در عمل این شعار اجرا نشده است. عباس افندی در الواح وصایا به فرزندش نوشته است: ... ایادی امر اله باید بیدار باشند به محض اینکه نفسی بنای اعتراض و مخالفت با ولی امر اله (۱) گذاشت فوراً آن شخص را اخراج از جمع اهل بهاء نمایند و ابداً بهانه‌ای از او قبول ننمایند چه بسیار که باطل محض به صورت خیر درآید تا القای شبهات کند (۲).

اگر تحری حقیقت راه وصول به حقیقت است بدیهی است در آغاز شبهات نیز پیش می‌آید پس اگر هر کس به صرف داشتن و یا ارائه شبهه مرتد شناخته شود چگونه راه وصول به حق را طی نماید زیرا مقدمه رسیدن به حق وجود شک و شبهه و سپس تحقیق و رسیدن به حقیقت است. افسوس ای حقیقت، که چه ناراستیها و نیرنگها به نام تو تحویل جامعه‌ی انسانها داده‌اند.

همین اندازه برای درک مفهوم تحری حقیقت از نقطه نظر جامعه‌ی بهائی کافی است و توانسته‌ایم حقایقی را درباره‌ی «تحری حقیقت» تحری نماییم.

و اما اسلام برترین مفهوم حقیقت جوئی را چنین می‌آموزد:

.....
۱. منظور جانشین عباس افندی است.

۲. افندی. عباس. الواح وصایا. صص ۲۶

« الذين يستمعون القول فيتبعون احسنه اولئك الذين هدى لهم الله و اولئك هم اولو الالباب.» (۱)

شرایط تحقیق جهت وصول به حقیقت در اسلامذیلا به صورت اجمال آورده می‌شود

(۱) تکیه نکردن بر ظن و گمان. (۲).

(۲) بی‌طرفی (۲): اگر انسان بخواهد صحیح قضاوت کند باید در مورد مطلبی که می‌اندیشد کاملا بی‌طرفی خود را حفظ کند.

(۳) عدم پیروی از میل و هواهای نفسانی (۴): اگر انسان بی‌طرفی خود را حفظ نکند خواه ناخواه به سوی میل‌ها و هواهای نفسانی کشانیده می‌شوند.

(۴) عدم شناخت‌زدگی: هر قضاوت و اظهار نظری نیاز به مقدار معینی از مدارک کافی دارد و تا مدارک به قدر کافی در یک مسئله جمع نشود هر گونه اظهار نظر و شناخت‌زدگی موجب لغزش اندیشه است.

(۵) عدم نسبت‌گرایی و گذشته‌نگری: انسان به حکم طبع نخستین خود، هنگامی که می‌بیند یک فکر و عقیده خاص مورد قبول نسل‌های به گذشته بوده است خود به خود بدون آنکه مجالی به اندیشه خود بدهد آن را می‌پذیرد. قرآن مجید یادآوری می‌کند که پذیرفته‌ها و باورهای گذشتگان را مادام که با معیار عقل نسنجیده‌اید نپذیرید در مقابل باورهای گذشتگان استقلال فکری داشته باشند. (۵).

.....
۱. زمر ۱۸

۲. سوره انعام / ۱۶۶.

۳. سوره نجم / ۲۳.

۴. سوره نجم / ۲۳.

۵. سوره بقره / ۷۰.

۶) عدم شخصیت گرایی: یکی دیگر از موجبات لغزش در تحقیق گرایش به شخصیت‌های بزرگ تاریخی یا معاصر است که از نظر عظمتی که در نفوس دارند بر روی فکر و اندیشه و تصمیم و اراده دیگران اثر می‌گذارند و در حقیقت هم فکر و هم اراده دیگران را تسخیر می‌کنند و هم دیگران در مقابل آنها استقلال فکری خود را از دست می‌دهند. (۱).

پس از اینکه حقانیت اسلام بر شخص مشخص شد اسلام از او می‌خواهد در مسایل جزئی به عالمان دین مراجعه کند و با عمل به نظر آنها در زمینه تکالیف آسوده باشد.

نتیجه :

این شعار فریبکارانه برای حمله به مساله تقلید در مذهب تشیع می‌باشد و واقعیت خارجی در فرقه بهائیت ندارد

آموزه وحدت عالم انسانی

دومین اصل از اصول اعتقادات بهائیان وحدت علم انسانی است. آنها مدعی‌اند (جمع افراد بشر مخلوق حضرات پروردگارانند، رنگ، چهره و طرز ترکیب قیافه هیچ یک (از افراد) میزان برتری یک انسان بر انسان دیگر نیست و نباید علت اختلاف و دشمنی باشد) (۱).

(درست مثل اختلاف رنگ و نوع در گل‌های یک گلستان که موجب رونق بوستان است نه دشمنی و عناد بین گل‌ها و ریاحین. در ساحت قدس الهی امیر و فقیر، عزیز و حقیر، آسیایی و اروپایی، سیاه و سفید همه برابرند و هیچ یک بر دیگری رجحان ندارد. خدا به همه مهربان است، پس چرا ما نسبت به هم مهربان نباشیم.) (۲).

همچنین ادعا دارند که میزان امتیاز به علم و اخلاق است نه به وطن و مقام ولیکن خود این امتیازات هم موجب حق برتری نمی‌شود). و به نقل از عباس افندی آورده‌اند: (ثانی اساس الهی، وحدت عالم انسانی است یعنی جمع بشر بندگان خداوند اکبرند، خدا خالق کل است، خدا رزاق کل است. خدا محی کل است و خدا مهربان به کل، یعنی جمع بشر انسانند.) (۳).

در این قضیه حسینعلی نوری نیز گفته است که (ای اهل عالم سراپرده یگانگی بلند شده به چشم بیگانگان یکدیگر را می‌بینید، همه بار یک دارند و برگ یک شاخسار) (۴).

.....
۱. اشرف. فرامرز. مجموعه‌ای از مطالب بهائی به اختصار. مؤسسه ملی مطبوعات امری ۱۳۱ بدیع.

۲. همان مأخذ.

۳. همان مأخذ.

۴. مجموعه تعالیم اجتماعی روحانی بهاء اله. انتشارات امری.

عبدالبهاء مي گوید: تعصب ديني تعصب مذهبي تعصب وطني و تعصب سياسي هادم بنیان انساني است، اولاً دين يکي است زیرا ادیان الهي حقيقت است... جميع انبياء خادم حقيقت بودند... پس تعصب باطل است... الخ. (۱)

پس از اینکه دومین اصل از اصول اعتقادات بهائیان آورده شد چند سؤال به ذهن وارد می‌گردد :

سوال اول

آیا قبل از تأسیس این فرقه چنین موضوعی در مکاتب آن روزگار وجود نداشته است؟

برای پاسخ به این پرسش در مکتب اسلامي که منادی کمال ادیان و آخرین دین الهي است جستجو می‌کنیم و به همان نیز اکتفا می‌کنیم:

در دین مبین اسلام طبق نص صریح آیات و روایات هیچ انسانی به انسان دیگری برتری ندارد رنگ و نژاد و سایر تفاوت‌های فردی صرفاً جهت شناخت و تمایز انسانها از یکدیگر است و ویژگی‌های خاص جسمانی، هیچ کدام دلیل برتری ابناء بشر بر یکدیگر نمی‌گردد. در آیه ۱۲ از سوره حجرات می‌خوانیم:

ای مردم ما همه را نخست از مرد و زنی آفریدیم و آن گاه شعبه‌های بسیار و فرق مختلف گردانیدیم تا یکدیگر را باز شناسید بزرگوارترین شما نزد خدا با

تفاوت‌ترین مردمند و خدا کاملاً آگاه است (۲)

۱. خطابات عبدالبهاء فی اوربا و امریکا «قسمت ۲» صفحه (۲۱۶)

۲. قرآن کریم. سوره حجرات / آیه ۱۲.

سوال دوم

این پرسش به ذهن خطور می‌کند که آیا واقعا سران این فرقه در عمل نیز به این شعار پایند بوده‌اند یا خیر؟ به همین منظور توجه خوانندگان گرامی را به چند نکته معطوف می‌کنم:

فرقه مزبور در احکام و احوال شخصیه به هنگام تقسیم ارث سهمی برای معلم در نظر می‌گیرند منتها در صورتی که معلم غیر بهائی باشد سهمی به او تعلق نمی‌گیرد و اصولا غیر بهائی از بهائی ارث نمی‌برد. به اصل این حکم توجه فرمایید: «معلم غیر بهائی از بهائی ارث نمی‌برد، اگر بیش از یک معلم وجود داشته باشد سهم معلم به طور مساوی بین آنها تقسیم می‌شود» (۱).

در این رابطه سران بهائیت به حکم حسینعلی نوری (موسس فرقه) استناد می‌کنند که می‌گوید: «غیر بهائی لا یورث البهائی.» یعنی: «غیر بهائی از بهائی ارث نمی‌برد» (۲).

جناب عبدالباها درباره سیاهان آفریقائی و فرقیشان با سیاهان امریکائی می‌گوید:

«مثلا چه فرق است میان سیاهان افریک (آفریقا) و سیاهان امریک، اینها خلقالله البقر علی صورة البشرند آنان متمدن و باهوش و فرهنگ...»!! (۳)

لذا از نظر ایشان سیاهان آفریقائی گاو هستند (حتی نمی‌گویند «مثل» گاو هستند بلکه می‌گویند خود گاو هستند)!

.....
۱. قوانین و احوال شخصیه. موسسه ملی مطبوعات امری. ۱۳۴ بدیع.

۲. نوری. حسینعلی. کتاب اقدس

۳. (خطابات بزرگ، ص ۱۱۹).

در توقیعی خطاب به حاجی میرزا آقاسی مینویسد : اترکوا التروک ولو کان ابوک، ان احبوک اکلوک و ان ابغضوک قتلوک.» (از ترک زبانان دوری کن و فاصله بگیر، اگر چه پدرت باشد که اگر دوستت بدارد خواهدت خورد و اگر دشمن بدارد خواهدت کشت!). (۱)

بهاء الله در کتاب بدیع، صفحه ی ۱۴۰ می نویسد:

«الیوم هر نفسی بر احدی از معرضین من اعلاهم او من ادناهم ذکر انسانیت نماید، از جمیع فیوضات رحمانی محروم است تا چه رسد که بخواهد از برای آن نفوس اثبات رتبه و مقام نماید»

ملاحظه می فرمایید که جناب بهاء الله نه تنها غیر بهائیان را از دایره انسانیت خارج می داند، بلکه به فتوای ایشان هرکس که آنها را آدم بداند، او نیز از جمیع فیوضات رحمانی محروم است

۲. «با نفوس معرض که اعراضشان ظاهر شده معاشرت و تکلم و ملاقات جایز نه، هذا حکم قد نزل من سماء امر قدیم» (۲)

بهائیت حتی در بین مریدان خودش نیز تفاوت و تبعیض قائل شده و در زمینه های اجتماعی حقوق بیشتری به افراد شهری و روستاییان اختصاص داده است. برای مثال در قوانین و احوال شخصیه بهائیت آمده است که:

میزان مهریه از طرف زوج شهرنشین مقدار یک تا پنج واحد طلا و برای زوج

روستایی (قراء و قصابات) از یک تا پنج واحد نقره تعیین می گردد. برای زوجه

فرقی برای شهری یا روستایی بودن (نیست) ندارد. (۳)

.....
۱. اسرار الآثار، ج ۲ ص ۱۵۴ (ذیل کلمه ترک)

۲. (بهاء الله، مائده آسمانی، ج ۸، ص ۷۴ چاپ جدید، باب معاشرت با معرضین جایز

نه). ۳. قوانین و احوال شخصیه. موسسه مطبوعات امری ۱۳۴ بدیع.

انشعاب، نقض عملی منادیان وحدت

میرزا حسین علی به عنوان رهبر بهائیان در اواخر عمرش در وصیت نامه‌اش

موسوم به لوح عهدی، جانشین خود را معرفی می‌کند و می‌نویسد:

«جانشینان بعد از من، دو فرزندم غصن اعظم (عباس افندی) و سپس غصن

اکبر (محمد علی افندی) می‌باشند.» (۲).

اما عباس افندی (ملقب به عبدالبهاء) با وجود وصیت نامه‌ی پدرش، برادر خود

را از جانشینی محروم کرد و طرفداران خود را «ثابتین» و پیروان محمد علی

را «ناقضین» نامید.

او به برادرش القاب زشت می‌دهد و پیروانش را پیشه، سوسک، کرم خاکی،

جغد، روباه، کلاغ و گرگ معرفی می‌کند. (۳)

محمد علی افندی هم از قافله عقب‌نمانده و عبدالبهاء را الاغ دو پا معرفی

می‌کند. (۴).

عباس افندی فرزند پسر نداشت. لذا نوه‌ی دختریش (شوقی افندی) را به

جانشینی بعد از خود معرفی می‌کند. این در حالی است که محمد علی

افندی

زنده بود و باید طبق وصیت بهاء الله بعد از عباس افندی به ریاست بهائیان

می‌رسید. تعدادی از بهائیان با این انتصاب مخالفت کردند و از جمع بهائیان

خارج شدند. مخصوصاً عده‌ای از مبلغین بزرگ آنها چون بر وضع و اوضاع

شوقیاطلاع کامل داشتند، از بهائیت رویگردان شده و به اسلام پناه آوردند

که آنها عبارت بودند از عبدالحسین آیتی، میرزا حسن نیکو، فضل‌الله صبحی

.....

۲. حسین علی نوری: ادعیه محبوب / ۲۹۹.

۳. عباس افندی: مکاتیب ۴۴۲ / ۱.

۴. عبدالحمید اشراق خاوری، رحیق مختوم / ۸۵۱.

و عده‌ایدیگر که حتی کتابها بر رد بهائیت نوشتند از قبیل: کشف الحیل، فلسفه‌ی نیکو و پیام پدر و غیره و عده‌ای در صحت الواح تشکیک نموده و احمد سهراب را که از نزدیکان شوقی بود، به رهبری قبول و نام سهرابی را بر خود نهادند و چونشوقی مرد و کسی را برای خود جانشین ننمود، در میان بهائیان اختلاف افتاده اکثریت آنها ریاست معنوی زن شوقی روحیه‌ی ماکسول و ریاست ایادیان امر را پذیرفتند و اینها بودند که بیت‌العدل را تشکیل دادند و اکثر بهائیان جهان از بیت‌العدل تبعیت می‌نمایند ولی عده‌ای دیگر بیت‌العدل را قبول ننموده و فردی به نام چارلز مسن ریمی را جانشین شوقی دانسته که اینان در فرانسه و پاکستان پراکنده می‌باشند و آنها را ریمی‌ها گویند و اما گروه دیگری به شخص دیگر به نام جمشید معانی که از اهالی خراسان بود، گروهی و این شخص را موعود کتاب اقدس و صاحب شریعت جدید معرفی نمودند و برای خود لقب سماء آراء انتخاب و به گروه سمائی مشهورند و اینان در اندونزی، ایران، هند و آمریکا پراکنده‌اند و اعضای محفل ملی بهائیان پاکستان هم اخیراً به وی گروهیده‌اند.

بررسی مآخذ و منابع بهائیت و وقایع ایام توقف بهائیان در سرزمین فلسطین، به خوبی نشان می‌دهد که علل اصلی و اساسی اختلافات و منازعات مذکور، بر سر تقسیم اموال منقول و غیر منقول حسینعلی میرزا در فلسطین و پولهایی بوده است که بهائیان از اطراف و اکناف به فلسطین ارسال می‌داشته‌اند.

چنانچه «دکتر یونس خان افروخته» بهائی، در ضمن نگارش خاطرات نه ساله خود در ایام توقف در عکا و در جوار عباس افندی، به شرح اجمالی اختلافات مولایش! عباس افندی، با دیگر برادران و عمو زادگان و منسوبانش اشاره‌ای بس دقیق دارد که مؤید و تعیین کننده علت اساسی کشمکش‌های مذکور است.

«یونس خان افروخته» پیرامون محتوای شکایت «غصن اکبر» و دیگر برادران و منسوبان عباس افندی به دولت عثمانی می نویسد:

«ناقصین (منظور برادران عباس افندی) به دولت عثمانی شکایت کردند که افندی کبیر (منظور بهاء الله) یکی از اقطاب (صوفیه) و اولیاء بوده... حقوق مقرر و هدایای عدیده که به نام بهاء الله می رسد به ما نمی دهد. آنچه به میراث از پدر ما باقی مانده همه رادر تصرف و ما را محروم...» (۱).

هر پژوهنده ای، وقتی به تأکیدات مذکور از یک سوی، و از سوی دیگر به آثار میرزا علی محمد غصن اکبر و طرفدارانش خاصه رسالات «میرزا جواد» و «میرزا جلیل خوئی» و... مراجعه می کند، با این بیان «ادوارد براون» در مقدمه کتاب «نقطة الکاف» هم صدا خواهد شد که:

«خیلی عجیب است که تاریخ صبح ازل و نابرداری او بهاء الله چگونه مجدداً درباره میرزا محمد علی و نابرداریش عباس افندی تکرار شد...» (۲) و خدعه ها و کینه ها و بی اعتقادی خانواده بهاء الله و کشاکش وراثت نسبت به تقسیم اموال و حفظ ریاست امر برملا گردید. و یکباره بر خلاف الواح و وصایای عباس افندی اعلام رد: «ناقصین به کمال قوت در هدم بنیان پیمانساعی» (۳).

حسینعلی میرزادر حالی که غالب امور حسینعلی میرزا به دست محمد علی و عباس افندی اداره می شد و جواب مسائل و تحریر رسائل را آن دو - به نام حسینعلی میرزای مدعی الوهیت - به عهده داشته اند و بر خلاف

۱. «خاطرات نه ساله عکا»، ص ۱۰۰.

۲. «نقطة الکاف»، ص ۷۵.

۳. «مکاتیب»، ج ۱، ص ۲۴۴.

نص صریح وصیت پدر نسبت به هم از هیچ اهانت و بی احترامی فروگذار نکردند و در عمل چنان با هم به مخالفت و ستیزه برخاستند که یکی دیگری را از ناقصین، و دیگری او را از کافران دانست.

چنین اوضاعی در میان خانواده حسینعلی میرزا از یک سو، و صبح ازل از سوی دیگر، و آنگاه عباس افندی از یک سو، و محمد علی از سوی دیگر، موجب گردید که «ادوارد براون» سؤالی را که پژوهندگان در هنگام بررسی چنین مسائلی در ذهنشان خطور می کند، چنین به نگارش در آورد: «این تفرقه آخری و حقد و حسد و جنگ و جدالی که از آن ناشی شد اثر خیلی بدی در ذهن این بنده پدید آورد چه من همیشه پیش خود خیال می کنم و از دوستان بهائی خود نیز همیشه پرسیده ام که پس نفوذ و قوه ی تصرف و قاهریتی که به عقیده ایشان اولین علامت کلمة الله و از خصایص لاینفک آن است کجاست؟ در صورتی که در مقابل این همه نصوص «الهی» از قبیل «عاشروا مع الادیان بالروح والریحان» و «همه باریک دارید و برگ یکشاخسار» و نحو ذلک ایشان با اعضای خانواده خودشان با این درجه تلخی و عداوت رفتار می کنند» (۱).

.....

۱. مقدمه ادوارد براون، ص ۷۶، و «نقطة الکاف» ص ۷۵. احمد یزدانی در کتاب: «نظر اجمالی در دیانت بهائی»، ص ۲۶ می نویسد: «دین هم اگر باعث اختلاف و منازعه شود بیهوده است و در این صورت بی دینی بهتر است». شوقی افندی تصریح می کند که مخالفان عباس افندی، از متشخصان بهائیت بوده، و دلائل و منطقی که آنها را به مخالفت واداشته بود، در میان دیگر بهائیان عکا نافذ، و بسیاری از آنان همراه مخالفان عباس افندی، هم صدا و هم رأی بوده اند. چنانچه: «تا به تدریج قسمت اعظم از منتسبین شجره الهیه و جمع کثیری از نزدیکان و طائفین حول را به دور خود گرد آورده و بر مخالفت مرکز پیمان هم عهد و پیمان نمود، از جمله دو حرم حضرت بهاء الله

وحدت عالم انسانی اعتقادی موهوم

دشمن را دوست بینید و اهرمن را ملائکه شمارید جفاکار را مانند وفادار به نهایت محبت رفتار کنید و گرگان خونخوار را مانند غزالان ختن و ختا مسک معطر به مشام رسانید" (۱)

میرزا علی اکبر خان فروتن در اصول تدریس دروس اخلاقی در صفحه ۳۳ در ضمن پروگرام دروس سال دوم ابتدائی گوید: پدران ما پیش از ظهور حضرتبهاءالله هریک به دینی و مذهبی منسوب و با هم در نهایت درجه عداوت بودند ولی حالا در ظل دیانت بهائی با هم متحد و متفق شده‌اند.. الخ. (۲)

این قسمت یکی از دستورهائی که برای اطفال هفت ساله لازم است به نحو تفصیل تدریس و تعلیم شود، و مقصد این است که قلوب صاف اطفال را با بغض و کینه و دشمنی افراد غیر بهائی پر کنند.

اولا - قبل از ظهور میرزا بهاء مردم با همدیگر دشمنی نداشتند؛ و جهت و علتی هم برای عداوت و دشمنی نبوده است. و اگر جهتی برای عداوت بوده

.....
دو غصن از اغصان میرزا ضیاء الله متردد و میرزا بدیع الله خائن مع خواهر و ناخواهری آنها همچنین شوهران این دو یعنی سید علی دنی از افنان و مجد الدین خبیث فرزند جناب کلیم واخت و اخوان مجد الدین کلا به خصم خصیم پیوستند حتی میرزا آقاجان کاتب وحی نیز که مدت چهل سنه به خدمت امر مالک بریه مشغول و محمد جواد قزوینی که از ایام ادرنه به تحریر و استنساخ الواح کثیره منزله از قلم اعلی مألوف با جمیع خاندانش در حلقه ناقصین

میثاق» مراجعه شود به کتاب: «قرن بدیع» ج ۲، ص ۲۷

۱. بهاءالله (مکاتیب، ج ۲، ص ۱۶۰)

۲. از نشریات نجمه خادمین اطفال طهران، و به اجازه محفل روحانی به تاریخ ۱۸ مرداد ماه ۱۳۱۰ شمسی در ۵۶ صفحه به طبع رسیده است

است با ظهور میرزا بهاء از بین نرفته است، و حتی بر اختلافات مردم و تشنت آراء و افکار افزوده است.

ثانیا - اگر مقصود مؤلف حصول اتفاق و اتحاد در میان افراد بهائی باشد: این معنی چه ربطی به صحت و بطلان بهائیت دارد، هر برنامه و آئین نامه و هر حزب و جمعیتی چنین نتیجه‌ای را دربر دارد، یعنی افرادی را به هم نزدیک و متحد می‌کند.

میرزا بهاء و عبدالبهاء برای جلب نفوس و رفع اعتراضات وارده بر احکام بیان، موضوع حسن معاشرت با ادیان و صلح کل با ملل و امم را بمیان آورده، و اشخاص ظاهربین و نادانرا از این راه فریفته و شیفته‌ی تظاهرات خود نمود.

ولی اشخاص دانشمند و فهمیده جهان متوجه هستند که اینمطلب اگر صورت عملی بخود بگیرد، فقط و فقط جنبه‌ی لفظ و صورت و تظاهر داشته و از حقیقت خالی و عاری است، چرا که ممکن نیست انسانهای شریف را در کنار انسانهای خبیث قرار داد و انسان اگر حقیقتاً مرام و مسلکی داشته باشد، قهراً با مخالفین آن مرام مخالف بوده، و با مزاحمین و معارضین مبارزه خواهد کرد. اینستکه حتی خود بهاء (جعل کننده‌ی این حکم) و عبدالبهاء و شوقی افندی (سران این فرقه) نیز نتوانسته‌اند با مخالفین خود از راه صلح و آشتی و حسن و معاشرت برآیند.

مطلب دیگر اینکه اختلاف در میان افراد بشر دو رقم است: اول - اختلاف تکوینی و از لحاظ آفرینش که موجب اختلافات در صورت و قیافه و سیرت و اخلاقیات می‌شود (و من آیاته اختلاف الوانکم و السننکم) و این رقم از اختلاف قابل ائتلاف نیست.

دوم اختلاف عارضی که بعد از آفرینش حاصل شود، مانند امتیاز از نسب و خانواده و قبیله و وطن و مملکت و لغت و دین، و این رقم از اختلافات را نباید در مقام حقیقت به حساب آورد، اگر چه در بعضی از موارد مراعات و توجه به آنها لازم می‌شود. مثل حفظ نسب و توجه به آن در مقام ازدواج، و حفظ استقلال مملکت و دفاع از حریم و منافع آن در مقام تعدی و تجاوز بیگانه که موجب اختلال در امور افراد آن مملکت می‌شود. و نظیر توجه خاص به حفظ ادبیات زبان و لغت مخصوص در صورتیکه پیشرفت اجتماعی و حفظ حقوق جمعیت متوقف به آن باشد و در اقتصاد و ترقی جامعه کمک کند. و مانند تعصب در دین حق و طرفداری از حریم و حقایق آن در مقابل تبلیغات مخالفین و فشار و تحدید و تعقیب آنان. و در این مورد است که قرآن مجید می‌فرماید: اشداء علی الکفار رحماء بینهم.

اگر در مسلک بهائیت این اصل منظور شده است: خوب بود میرزا بهاء در مقابل ادیان و مسلکهای دیگر شعبه تازه و مسلک جدیدی اختراع نمی‌کرد، و لازم بود عبدالبهاء و مبلغین دیگر مردم را به سوی این مسلک دعوت نکرده، و به جای این که در طرح اختلاف کوشش اختلاف جدیدی ایجاد نمی‌کردند. و این تعلیم از میرزا بهاء و عبدالبهاء به جز ترویج هوسرانی و بی‌دینی و بی‌وطنی معنای دیگری ندارد

نتیجه:

از اینکه بهائیت محور مشخصی برای وحدت عالم انسانی بیان نکرده میتوان نتیجه گرفت که این تعلیم شعاری سیاسی برای پوشاندن چهره واقعی این فرقه است و در صورتی که بخواهد به آن جامه عمل بپوشاند فقط در چهارچوب قوانین این فرقه خواهد بود.

کتابنامه

۱. مجموعه ای از مطالب بهایی به اختصار. فرامرز اشرف . موسسه ملی مطبوعات امری . ۱۳۱ بدیع
۲. مجموعه تعالیم اجتماعی . بهاء الله . انتشارات امری
۳. خطابات قسمت دوم . عبدالبهاء .
۴. قوانین و احوال شخصیه . بهاءالله . موسسه مطبوعات امری. ۱۳۴ بدیع
۵. اقدس . حسینعلی نوری
۶. خطابات بزرگ . عبدالبهاء
۷. اسرار الآثار . عبدالبهاء
۸. مائده آسمانی . چاپ جدید. بهاء الله
۹. ادعیه محبوب . حسینعلی نوری
۱۰. رحیق مختوم. عبدالحمید اشراق خاوری
۱۱. خاطرات نه ساله عکا . یونس خان افروخته
۱۲. نقطه کاف . ادوارد براون
۱۳. نظر اجمالی در دیانت بهایی . احمد یزدانی
۱۴. اصول تدریس دروس اخلاقی . علی اکبر خان فروتن . از نشریات نجمه خادمین اطفال طهران ۱۸ مرداد ۱۳۱۰
۱۵. الواح وصایا . عباسافندی.
۱۶. مجموعه جزوات اصول اعتقادات اصول اعتقادات امری. نشر کتب امری.
۱۷. نوری. حسینعلی. مجموعه الواح (لوح احمد) انتشارات امری.
۱۸. نوری. حسینعلی. ایقان: چاپ مصر.
۱۹. اشراق خاوری. عبدالحمید. پیام حکمت
۲۰. افندی. عباس مفاوضات. انتشارات امری.
۲۱. افندی. عباس. خطابات اروپا. چاپ مصر ۱۳۹.
۲۲. افندی. عباس. مفاوضات اروپا